**ره توشه هایی از عید سعید فطر**

فرا رسيدن روز مبارك عيد فطر، نويد بخش تحوّلاتي سرنوشت ساز در زندگي اهل ايمان است. چرا كه عيد فطر يكي از ايام اللّه، زمينه ساز وحدت كلمه براي مسلمانان و تقويت اتحاد و اراده آنان، تجديد حيات دوباره براي اسلام، دميدن روح ايمان و سرور و نشاط براي بندگان الهي، روز نمايش عظمت دين و بازگشت دوباره به فطرت انساني و بالاخره روز فتح و پيروزي در جهاد اكبر براي رهروان خداجوي مي‌باشد. در شب و روز عيد فطر، اهل ايمان از سوئي به شب زنده داري و نماز و دعا مي‌پردازند و از سوئي ديگر با زمزمه زيارت امام حسين(علیه السلام) با آن حضرت و مقاصد آسماني‌اش پيمان مجدد امضاء كرده و روح حماسه و عرفان و فداكاري را در وجودشان احياء مي‌كنند. اين اعمال معنوي آنان را براي پرواز در عالم ملكوت به همراه قدسيان آماده مي‌كند و آنان بدين وسيله از قيد و بند مادّيات و علاقه‌هاي بي‌ارزش رهائي يافته و با دلي سرشار از شوق ايمان و عشق به خدا زندگي نويني را آغاز مي‌كنند. چه زيباست كه تمام اقشار جامعه از اين فرصت به دست آمده در راه اعتلاي كلمه حق و توسعه و ترويج معارف حياتبخش الهي بهره گرفته و خود را يك سال ديگر در پناه ايمان و مصونيت بيمه كنند. در آن روز مسلمانان با شوق وصف ناپذيري از عبادات و رياضات شبهاي ماه رمضان و شبهاي قدر و زيباترين لحظات ارتباط با خداوند فارغ شده و در اجتماع روز فطر صف مي‌كشند و اتّحاد و يگانگي و برادري و همدلي خود را به نمايش گذاشته و بار ديگر دست رد به سينه شيطان و شيطان صفتان مي‌زنند و هم نوا با برادران ديني خود، پروردگار با عظمت را صدا كرده و توفيق در تمام كارهاي خير و دوري از تمام بدي‌ها رابه همراه حضرت محمّد و آلش ـ كه درود خدا بر آنان باد ـ از درگاه خداوند درخواست مي‌كنند. در همين راستا به برخي از دستاوردهاي اين روز باشكوه اشاره كرده و روح و جان خويش را با آموختن درسهائي از آن صفا مي‌بخشيم به اميد اينكه ره توشه‌هائي را براي سلوك به سوي حق به دست آوريم.  
در اجتماع بزرگ مسلمانان در روز عید فطر، مي‌توان پيامهاي مهم و حياتبخش اسلام را به گوش حاضرين رساند چرا كه برخي افراد فقط در چنين روزي فرصت راه‌يابي به مجالس مذهبي را پيدا مي‌كنند و در چنين فضائي آمادگي شنيدن مطالب معنوي و دستورات انسان ساز اسلامي را دارند. به همين جهت اميرمؤمنان علي(علیه السلام) در يكي از خطبه‌هاي خويش در روز عيد فطر بعد از حمد و ثناي الهي و فراهم نمودن زمينه پيامهاي آسماني به بيان مهمترين دستوارت الهي پرداخته و اهم احكام كليدي را به نمازگزاران فطر مي‌آموزد در فرازهائي از گزارشي كه شيخ صدوق از بيانات اميرمؤمنان علي(علیه السلام) در خطبه عيد فطر آورده است چنين مي‌خوانيم: «انّ هذا اليوم جعله اللّه لكم عيداً و جعلكم له اهلاً فاذكروا اللّه يذكركم و ادعوه يستجب لكم؛امروز را خداوند متعال براي شما عيد قرار داده است و به شما شايستگي آنرا عنايت فرموده پس شما هم به شكرانه آن خدا را ياد كنيد تا شما را ياد كند و او را بخوانيد تا شما را اجابت كند به يكي از مهمترين اعمال روز عيد فطر كه پرداخت زكات فطره است اشاره كرده و اهمّيت آنرا متذكر مي‌شود، چرا كه اگر زكات فطره از صورت پرداخت فردي به سمت بُعد اجتماعي آن سوق داده شود پشتوانه و سرمايه مهم اقتصادي در حلّ مشكلات مردم خواهد بود. ايجاد مراكز درماني، تأسيس كانون‌هاي علمي و صنعتي براي اشتغال‌زائي بيكاران جامعه، سرمايه گذاري براي مسائل بهداشتي و عمران محيط زيست، تقويت بنيه دفاعي مسلمانان و حراست از مرزهاي اسلامي، توسعه فرهنگ عمومي و ديني و ايجاد مؤسسات پژوهشي و تحقيقاتي برخي از دستاوردهاي پرداخت زكات فطره در روز عيد است كه در صورت جمع آوري و مصرف صحيح اين بودجه ديني به دست خواهد آمد. ؛ چه بسيار از عالمان متعهد و مبلغان پر تلاشي كه از همين زاويه به توسعه و ترويج معارف عالي اسلام پرداخته‌اند.   
به همين جهت امير مؤمنان مردم را به پرداخت دَينِ شرعي خويش تشويق نموده و با ياد آوري اهمّيت موضوع مي‌فرمايد: «و اَدّوا فِطرَتَكُم، فَاِنَّها سُنَّةُ نَبيِّكُم وَ فَريضَةٌ مِن رَبِّكُم فَليُؤدّها كُلُّ اِمرِءٍ مِنكُم عَنهُ وَ عَن عيالِهِ كُلِّهِم ذَكَرِهِم وَ اُنثاهُم، صَغيرِهِم و كَبيرِهِم وَ حُرِّهِم و مَملُوكِهِم عَن كُلِّ اِنسانٍ مِنهُم صاعاً مِن بُرٍّ اَوصاعاً مِن تَمرٍ اَو صاعاً مِن شَعيرٍ؛ زكات فطره خود را ـ كه سنت پيامبرتان و فريضه واجبي از سوي پروردگارتان مي‌باشد ـ هر يك از شما از سوي خود و افراد تحت تكفل خود از زن و مرد، كوچك و بزرگ، آزاد و مملوك يك صاع گندم يا خرما يا جو پرداخت نمايد.» علي(علیه السلام) در فراز ديگري از خطبه خويش به مهمترين دستورات الهي پرداخته و به مسلمانان يادآور مي‌شود كه: «اطيعوا اللّه فيما فرض اللّه عليكم و امركم به من اقام الصّلوة و ايتاء الزّكوة و حجّ البيت و صوم شهر رمضان و الامر بالمعروف و النّهي عن المنكر و الاحسان الي نساء كم و ما ملكت ايمانكم؛ در مواردي كه خداوند بر شما واجب كرده و به انجام آن امر نموده است از فرمان خداوند اطاعت كنيد، از بپا داشتن نماز، پرداخت زكوة، زيارت خانه خدا، روزه ماه رمضان، امر به معروف و نهي از منكر و نيكي و احسان به همسران و زيردستان خود. مولاي متقيان باتذكر زشتي برخي گناهان كبيره اضافه مي‌كند كه: «و اطيعوا اللّه فيما نهاكم عنه من قذف المحصنة و ايتان الفاحشة و شرب الخمر و بخس المكثال و نقص الميزان و شهادة الزّور و الفرار من الزّحف؛(1) اي مردم! خدا را در مورد چيزهائي كه شما را نهي كرده اطاعت كنيد و از انجام آن دوري گزينيد كه از جمله نسبت ناروا به زنان شوهر دار و آبرومند، انجام اعمال زشت همچون فحشا و شرب خمر، كم فروشي در معاملات، گواهي باطل و دروغ و فرار از ميدان نبرد از مقابل دشمن است. برخي از مردم عيد را به معني نشاط و شادي ظاهري دانسته و با پوشيدن لباسهاي نو و رنگارنگ و با تدارك غذاهاي متنوع و شيريني و شربت و گفتن و خنديدن و سياحت و تفرج بي‌محتوا خود را سرگرم مي‌كنند. در حالي كه عارفان با بصيرت و اولياء خاص الهي با چشم دل به عيد نگريسته و زواياي معنوي آنرا جستجو مي‌كنند. بخشي از كوششهاي مردان الهي در ايّام عيد بعد اجتماعي دارد كه در حلّ مشكلات برادران ديني،رسيدگي به نيازمندان و محرومان و گرفتاران، شاد و مسرور ساختن برادران و خواهران ديني، كمك به مستضعفان فكري جامعه و اهتمام به مسائل عمومي و مبتلا به مسلمانان جلوه مي‌كند چرا كه آنها بر اين باورند كه علي(علیه السلام) در مورد ويژگيهاي مردان الهي فرموده است: «نفسه منه في عناءٍ والنّاس منه في راحةٍ اتعب نفسه لآخرته و اراح النّاس من نفسه؛(2) نفس او از دستش در رنج و ناراحتي است امّا مردم(بخاطر خدماتي كه او انجام مي‌دهد) از او در آسايش‌اند. او براي (رسيدن به درجات عالي در روز) قيامت خود را به زحمت مي‌افكند ولي مردم را به رفاه و آسايش مي‌رساند». و برخي ديگر از فعاليت‌هاي اهل ايمان مربوط به ارتباط خود و خدايشان است، آنان از آنجائي كه در طول ماه مبارك رمضان با زحمات شبانه روزي خود بر شيطان نفس تسلط يافته و در جهاد بزرگ به پيروزي نائل شده‌اند روز عيد فطر را به شكرگزاري و ارتباط نزديكتري با پروردگارشان مي‌گذرانند:   
حضرت امام خميني در اين مورد سخنان قابل توجهي ارائه كرده و مي‌فرمايد: البته عيدهائي كه اسلام تأسيس فرموده است به حسب نظرهاي مختلفي كه اهل نظر دارند و بحسب قشرهاي مختلفي كه برخورد مي‌كنند برداشتهاي مختلفي وجود دارد. آن برداشتي كه اهل معرفت از عيد مي‌كنند، با آن برداشتي كه ديگران مي‌كنند بسيار متفاوت است. آنها بعد از اينكه در ماه مبارك رمضان آن رياضتها را مي‌كشند و كشيدند، روز عيد روز لقاي آنهاست لقاء اللّه است آن روز براي آنها. «الغيرك من الظّهور ما ليس لك؛(3) خدايا! براي غير تو چه ظهوري هست كه براي تو نيست.؟!» آنها همه چيز را از او مي‌دانند و آن روزرا عيد مي‌كنند براي اينكه بعد از رياضات يوم ورود به حضرت است. و در عيد قربان نيز بعد از اينكه تمام عزيزانشان را از دست دادند، مهيا براي ملاقات مي‌شوند، بعد از اينكه نفس خودشان را كشتند و هرچه عزيز است در راه خدا از آن گذشتند آن وقت است كه روز لقاء است و جمعه هم در اثر اجتماعاتي كه مسلمين با هم دارند، اهل معرفت مهيا مي‌شوند براي لقاء اللّه. پس برداشت آنها غير از برداشت ماست و ما اميدواريم كه به تبع اولياء خدا به جلوه‌اي از آن جلوه‌ها برسيم و ذره‌اي از آن معارف در قلب ما واقع بشود.(4)» به همين جهت حضرت امام مجتبي(علیه السلام) هنگامي كه مشاهده كرد عدّه‌اي از مردم در روز عيد فطر مشغول لهو و لعب و خنده هستند خطاب به يارانش فرمود: خداوند متعال ماه رمضان را معيار آزمايش مردم قرار داده است كه در آن مردم براي كسب مقامات معنوي و بهشتي مسابقه مي دهند عدّه‌اي در اين مسابقه برنده شده و برخي ديگر از كسب اين مقامات باز مي‌مانند. كمال شگفتي است از كسي كه بي خبر از نتيجه اين مسابقه به خنديدن و خوشگذراني مشغول است به خدا سوگند! اگر پرده‌ها كنار رورد نيكوكاران به نتائج نيكو رفتاري خود مشغول بوده و بدكاران گرفتار اعمال بد خود هستند.(5)

**شوق ديدار يار**

از برجسته‌ترين و به يادماندني‌ترين ساعات روز عيد فطر لحظاتي است كه منتظران راستين ظهور حضرت ولي عصر(عجل الله تعالی فرجه) آرزوي ديدار آن حضرت را كرده و در فراقش با دلي مملو از اميد اشك حسرت مي‌ريزند. آنان به ياد سخن حضرت باقر(علیه السلام) مي‌افتند كه فرمود: «ما مِن يَومِ عَيدٍ لِلمُسلِمينَ اَضحَيً وَ لا فِطرٍ اِلّا و هُوَ يُجَدِّدُ اللّهُ لآلِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) فِيهِ حُزناً قالَ قُلتُ وَ لِمَ ذلِك قالَ اِنَّهُم يَرَونَ حَقَّهُم في اَيدي غَيرِهِم؛(6) هيچ عيد فطر و قربان نيست كه با آمدن آن غم و اندوه آل محمد(صلی الله علیه واله) تجديد مي‌شود راوي گفت: چرا در روز عيد غمگين مي‌شوند؟ امام فرمود: زيرا آنان حق خود را در دست ديگران مي‌بينند و از اينكه افراد غير شايسته بر جايگاه رهبري امت قرار دارد و امام راستين هنوز ظهور نكرده است كه حكومت عادلانه و سايه پر از عدل و داد خود را بر مردم بگستراند، غمگين و ناراحتند. به همين جهت يكي از رايجترين اعمال اين روز كه اولياء خدا و عارفان واصل به آن اهتمام خاص دارند زمزمه دعاي ندبه در روز فطر است كه دردمندانه و عاشقانه با امام زمان(علیه السلام) نجوا مي‌كنند: «هل اليك يا بن احمد سبيلٌ فتلقي...متي ترانا و نراك و قد نشرت لواء النّصرتري...».  
اين ابيات مولوي تا حدودي بيانگر راز دل ندبه خوانان عيد فطر است كه به مولاي خويش عرضه مي‌دارند: سر زپايت بر ندارم روز و شب در هوايت بي‌قرارم روز و شب در ميان اين قطارم روز و شب اي مهار عاشقان در دست تو تا قيامت روزه دارم روز و شب تا كه بگشايم به قندت روزه‌ام عيد باشد روزگارم روز و شب چون زخوان فضل روزه بشكنم انتظارم، انتظارم روز و شب جان روز و جان شب اي جان تو بامه تو عيد دارم روز و شب تا بسالي نيستم موقوف عيد روز و شب را مي‌شمارم روز و شب زآن شبي كه وعده كردي روز وصل ابر ديده اشك بارم روز و شب بس كه كشت مهر جانم تشنه است .   
عارف وارسته حاج ميرزا جواد آقا ملكي تبريزي در اين مورد در كتاب ارزشمند المراقبات(7) مي‌نويسد: بر مؤمن راستين شايسته است امروزه غيبت آن حضرت و غصب حكومت آن حضرت توسط دشمنان، سختي حال شيعيان و رعاياي او را در دست كافران و فاجران بنگرد و ببيند كه به آنان از قتل نفوس و هتك آبرو و غصب اموال و بدي حال و مقام خواري و ابتذال چه مي‌رسد بايستي خوشحالي او به اندوه زياد و خنده او به گريه و عيد او به ماتم مبدّل گردد و به خواندن دعاي ندبه بسان زن بچه مرده‌اي بگريد و فرج او را از خدا بخواهد... باري چون خواستي براي نماز عيد بيرون روي كه با امامي نمازگزاري يا خودت امام جماعت شوي برتست كه از مصيبتي كه براي غيبت امام خودت بر تو وارد شده است غافل نباشي، زيرا نماز عيد حق خاص اوست و آن از مقامات معروفه اوست. پس بنگر حال به چه منوال گشته است كه نماز با امام به نماز تو و امثال تو مبدّل شده است و به زمان حضور آن حضرت و اجتماع مؤمنان به نماز او و نمازشان با او تفكر نماي و در پيش خويش ميزان بگير كه چون براي مؤمن خطيب، امام او باشد و سخنش را بشنود و از علومش فرا گيرد حال او چگونه خواهد بود؟! و به آنچه از بركات و انوار زمان حضور آن بزرگوار و نشر عدالت و محوجور و ضلالت و عزت اسلام و حرمت قرآن و رواج ايمان و تكميل عقول و تزكيه قلوب و تحسين اخلاق و رفع شقاق و دفع نفاق ونظر كن و با صداي بلند خود او را ندا ده و به زبان شوق خويش به ساحت مقدس عرضه بدار: اي زاده احمد! آيا راهي به سوي تو هست كه ملاقات شوي؟...اي آقاي من: بك عجّل به جعلت فداكا و تلافي ان كان فيه أتلافي   
اگر تلف شدن من در رسيدن به تو باشد، در آن شتاب كن فداي تو شوم. فاختياري ماكان فيه رضاكا و بما شئت في هواك اختبرني و به هرچه بخواهي در راه عشق خودت مرا آزمايش كن كه آنچه را كه رضاي تو در آن است انتخاب مي‌كنم. هام واستعذب العذاب هناكا بجمال حجبته بجلالٍ   
قسم به جمال خودت كه از او پوشيده‌اي و جلال خودت كه او را سرگردان ساخته‌اي و در كوي تو عذاب را شربت گوارا مي داند فيه بقيّة لرجاكا ذات قلبي فأذن له يتمنّا دل من آب شد پس به او اجازه بده كه ترا آرزو كند، در اين قلب نيم رمقي براي اميد و تمناي تو هست.  
بنابراين درخواست برقراري دولت كريمه حضرت مهدي(عجل الله تعالی فرجه) بهترين پاداش و عيدي است كه مي‌توان در روز عيد فطر از خداوند متعال آن را درخواست نمود.  
سيدبن طاووس در ضمن اعمال روز عيد از امام باقر(علیه السلام) نقل مي‌كند: هنگامي كه از منزل خارج شده و به سوي نماز عيد مي‌روي دعاي اللّهم من تهيّأ را مي‌خواني و هنگامي كه به نام مبارك حضرت صاحب الزمان(علیه السلام) رسيدي با آرزوي تحقق وعده الهي و استقرار حكومت عدل مهدوي (علیه السلام) مي‌گويي: « اللّهم افتح لنا فتحاً يسيراً و انصره نصراً عزيزاً...اللّهم انّا نرغب اليك في دولةٍ كريمةٍ تعزّ بها الاسلام و اهله و تذّلّ بها النّفاق و اهله...؛(8) خداوندا براي ما فتح آسان عنايت فرما و آن حضرت را با نصرتي عزتبخش ياري نما، پروردگارا! ما خواهان ايجاد دولت كريمه‌اي هستيم كه با آن به اسلام و مسلمانان عزت بخشيده و جبهه نفاق و اهلش را به خاك مذلّت بنشاني ... امام باقر علیه‌السلام ازپیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و‌آله روایت کردند: «اِذا کانَ أَوَّلُ یَوْمٍ مِنْ شَوّال نادی مُنادٍ: اَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ أَغْدُوا اِلی جَوائِزِکُمْ. ثُمَّ یا جابِرُ جَوائِزُ اللّهِ لَیْسَتْ کَجَوائِزِ هؤُلاءِ الْمُلُوکِ. ثُمَّ قالَ: هُوَ یَوْمُ الْجَوائِزِ؛(يعقوب كلينى، كافى، ج4، ص168) هنگاهی که روز اول ماه شوال فرا می‌رسد، منادی ندا می‌دهد: هان ای مؤمنان! برای دریافت جوایزتان صبح زود بشتابید. ای جابر، جوایز خداوند همانند جوایز پادشاهان نیست. سپس فرمود: روز اول شوال، روز جوایز است.»

**درسي از امام صادق(علیه السلام):**

از آموزنده‌ترين فرازهاي زندگي امام صادق(علیه السلام) حادثه‌اي شنيدني است كه در عيد فطر اتّفاق افتاد ماجرا از اين قرار بود كه ابوالعباس سفاح، اولين خليفه عباسي در هنگام خلافت خويش در بغداد، روزي امام صادق(علیه السلام) را به مركز خلافت خود احضار كرد. او به دنبال فرصتي مي‌گشت تا آن حضرت را به شهادت برساند تا اينكه وي آخرين روز ماه مبارك رمضان را عيد فطر اعلام كرد. آن روز هنگامي كه حضرت صادق(علیه السلام) در منطقه حيره بر او وارد شد خليفه از او پرسيد: اي اباعبداللّه! نظر تو راجع به روزه امروز چيست؟ امام صادق با بهره‌گيري از آيه تقيه كه مي‌فرمايد: «لايتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك فليس من اللّه في شي‌ءٍ الّا ان تتّقوا منهم تقيهً و يحذّركم اللّه نفسه و الي اللّه المصير؛(9) افراد با ايمان نبايد به جاي مؤمنان، كافران را به دوستي بگيرند و هر كس چنين كند، هيچ رابطه‌اي با خدا ندارد مگر اينكه از آنان به نوعي تقيه كنيد و خداوند شما را از عقوبت خود بر حذر مي‌دارد و بازگشت همه به سوي خداست. و با پيروي از اجداد طاهرين خويش تقيه نموده، و به سفاح فرمود: اين مربوط به پيشواي مردم است، تو اگر روزه بگيري، من هم روزه مي‌گيرم و اگر افطار كني من هم افطار خواهم كرد. در اين هنگام سفاح به غلام خود دستور داد تا سفره غذا را بچيند و امام صادق(علیه السلام) به همراه او غذا خورده و روزه‌اش را شكست با اينكه مطمئنّاً مي‌دانست آن روز از ماه رمضان است و عيد فطر نيست. آن حضرت در توضيح عمل خويش به ياران نزديكش فرمود: « و اللّه انّه يومٌ من شهر رمضان فكان افطاري يوماً و قضاؤه ايسر عليّ من ان يضرب عنقي ولايعبد اللّه ؛(10) به خدا سوگند آن روز از ماه رمضان بود و يك روز شكستن روزه ماه رمضان (بخاطر تقيه و حفظ دين) و اداي قضاي آن براي من آسانتر از اين است كه كشته شوم و خدا عبادت نشود.» حضرت صادق(علیه السلام) با اين تدبير الهي توطئه خليفه ستمگر را خنثي نموده و به شيعيان درسي ديگر آموخت. آن حضرت در اين روايت ضمن تأكيد بر اصل قرآني تقيه، به فلسفه آن نيز اشاره مي‌فرمايد كه تقيه براي حفظ دين است نه براي حفظ زندگي افراد. و اضافه مي‌كند كه اگر من بخاطر حادثه‌اي كوچك كشته شوم دين الهي از ميان رفته و عبادت و اطاعت از خداوند متعال به فراموشي سپرده خواهد شد.

**سيره تربيتي امام سجاد(علیه السلام) در عيد فطر :**

با مروري كوتاه به سيره تربيتي ائمه اطهار(علیه السلام) در مي‌يابيم كه آن بزرگواران از ماه مبارك رمضان به عنوان يك دانشگاه تربيتي بهره گرفته و با پرورش شاگردان و انسانهاي با استعداد در روز عيد فطر هدايا و جوائز مادّي و معنوي به آنان عطا مي‌كردند و به اين ترتيب اين ماه را به يك آموزشگاه و كلاس پرورش روح و جسم و اخلاق تبديل نموده و به پرورش يافته‌گان اين مكتب در محدوده وسع و اختياراتش نسبت به شايستگي افراد، عطايائي در نظر گرفته و آنان را تشويق مي‌كردند. در اينجا گوشه‌اي از سيره تربيتي و آموزنده امام سجاد(علیه السلام) را به روايت سيدبن طاووس مي‌خوانيم: امام صادق(علیه السلام) فرمود: شيوه حضرت علي بن الحسين (علیه السلام) در ماه رمضان چنان بود كه هرگاه غلامان يا كنيزان آن حضرت خطائي را مرتكب مي‌شدند آنان را تنبيه نمي‌كرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتري ثبت كرده و تخلّفات هر كس را با نام و موضوع مشخص مي‌نمود. در آخر ماه همه غلامان و كنيزان را جمع كرده و در ميان آنان مي‌ايستاد. آنگاه از روي نوشته تمام كارهاي خلاف آنان را كه در طول ماه رمضان مرتكب شده بودند برايشان گوشزد مي‌كرد و به تك تك آنان مي‌فرمود: فلاني تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفي كردي و من ترا تنبيه نكردم! آيا به ياد مي‌آوري؟ مي‌گفت: بلي اي پسر رسول خدا! و تا آخرين نفر اين مطالب را متذكر مي‌شد و آنان به اشتباهات و خطاهاي خود اعتراف مي‌كردند. آنگاه به آنان مي‌فرمود: «ارفعوا اصواتكم و قولوا يا علي بن الحسين! انّ ربّك قد احصي عليك كلّما عملت كما احصيت علينا كلّما قد عملنا و لديه كتابٌ ينطق عليك بالحقّ لايغادر صغيرةً و لا كبيرةٌ ممّا اتيت الّا احصاها و تجد كلما عملت لديه حاضراً...؛با صداي بلند بگوئيد: اي علي بن الحسين! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنانكه تو اعمال ما را نوشته‌اي نزد خداوند نامه اعمالي هست كه با تو به حق سخن مي‌گويد و هيچ عمل ريز و درشتي را فروگزاري نمي‌كند و هرچه انجام داده‌اي به حساب آورده و تمام آنچه را كه انجام داده‌اي نزد او حاضر و آماده خواهي يافت، چنانكه ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده ديديم. پس ما را ببخش همچنانكه دوست داري خدا تو را ببخشد. اي علي بن الحسين! به ياد آر آن حقارت و ذلّتي را كه فرداي قيامت در پيشگاه خداي حكيم و عادل خواهي داشت.  
آن پروردگار عادل و حكيمي كه ذرّه‌اي و كمتر از ذرّه‌اي به كسي ظلم و ستم روا نمي‌دارد و اعمال بندگان را همچنانكه انجام داده‌اند به آنان عرضه خواهد كرد و حساب و گواهي خدا كافي است ... ببخش و عفو كن تا پادشاه روز قيامت از تو عفو كرده و درگذرد چنانكه خودش در قرآن مي‌فرمايد: «وليعفوا و ليصفحوا الا تحبّون ان يغفر اللّه لكم واللّه غفورٌ رحيمٌ؛(11) بايد ببخشند و درگذرند. آيا دوست نداريد خداوند شما را بيامرزد؟ او خداوند آمرزنده و مهربان است. امام سجاد(علیه السلام) اين كلمات را براي خويش و غلامان و كنيزانش تلقين مي‌كرد و آنان با هم تكرار مي‌كردند و خود امام(علیه السلام) كه در ميان آنان ايستاده بود و مي‌گريست و با لحني ملتمسانه مي‌گفت: «ربّ انّك امرتنا ان نعفوا عمّن ظلمنا فقد ظلمنا انفسنا فنحن قدعفونا عمّن ظلمنا كما امرت فاعف عنّا فانّك اولي بذلك منّا و من المأمورين...؛ پروردگارا، تو به ما فرمودي از ستمكاران خويش درگذريم و ما براستي بر خود ستم كرده‌ايم. همان طور كه فرمودي، ما از كساني كه ستم كرده‌اند درگذشتيم، تو هم از ما درگذر كه تو در عفو كردن از ما و از ماموران برتري. تو به ما فرمودي سائلي را از درگاه خود محروم نكنيم و هم اكنون ما سائلان و گدايان در آستانه در خانه‌ات زانو زده و احسان و عطاي تو را مي‌طلبيم، بر ما منّت بگذار و محروممان نگردان، كه تو در اين كار شايسته‌تر از ما و از مأموران هستي. خدايا! من اكرام كردم تو هم به من اكرام كن و با اهل نعمت و مغفرت محشور نما اي صاحب احسان و كرامت. پس از اين برنامه عرفاني حضرت سجاد(علیه السلام) خطاب به غلامان و كنيزان خويش مي‌فرمود: من شما را عفو كردم، آيا شما هم من و بدرفتاريهاي مرا كه فرمانرواي بدي براي شما و بنده فرومايه‌اي براي فرمانرواي بخشاينده عادل و نيكوكار بودم، بخشيديد؟! همگي يكصدا مي‌گفتند: با اينكه ما از تو جز خوبي نديده‌ايم ترا بخشيديم. آنگاه به آنان مي‌فرمود: بگوئيد خداوندا! از علي بن الحسين درگذر! همان طور كه او از ما در گذشت، او را از آتش جهنم آزاد كن همان طور كه او ما را از بردگي آزاد كرد. آنان دعا مي‌كردند و امام سجاد(علیه السلام) هم آمين مي‌گفت. و در پايان مي فرمود: برويد، من از شما در گذشتم و آزادتان كردم به اميد اينكه خدا نيز از من درگذرد و آزادم كند. در روز عيد فطر چندان به آنها جايزه و هدايا مي‌بخشيد كه از ديگران بي‌نياز مي‌شدند. هر سال در شب آخر ماه مبارك رمضان در هنگام افطار حدود بيست بنده آزاد مي‌كرد و مي‌گفت: «انّ للّه تعالي في كلّ ليلةٍ من شهر رمضان عند الافطار سبعين الف عتيقٌ من النّار كلّاً قد استوجبوا النّار؛ خداوند متعال در هر شب ماه مبارك رمضان هفتاد هزار كس را از آتش جهنم آزاد مي‌كند كه همگي مستحق عذاب بوده‌اند آن حضرت هيچ بنده‌اي را بيش از يك سال به بندگي نمي‌گرفت. هرگاه كسي را در اول سال و يا در وسط آن مالك مي‌شد در شب عيد فطر آزاد مي‌كرد. اين عمل روش هر ساله او بود. بندگان سياه را كه هيچگونه نيازي به آنان نداشت مي‌خريد و در عرفات بعد از مراسم عرفه همه را آزاد ساخته و هداياي قابل توجهي را به آنان عطاء مي‌كرد.(12) با توجّه به اين روايت نسبتاً طولاني در مي‌يابيم كه رهبران الهي و پيشوايان معصوم ما چقدر در ترويج فرهنگ اسلامي و آموختن آن به انسانهاي تشنه معرفت تلاش نموده و نه تنها در ماه رمضان و عيد فطر در آزادي جسم آنان مي‌كوشيدند بلكه افكار و انديشه‌هاي آنان را نيز از بند جهل و غفلت و خرافه پرستي رها مي‌ساختند و به‌دين گونه بود كه تربيت يافتگان مكتب اهل بيت(علیهم السلام) از پستي ذلّت به اوج عزت مي‌رسيدند و بردگان گرفتار به رهبران جامعه و عارفان خدا جوي مبدل مي‌گشتند. كه فهرست مفصلي از اينان را مي‌توان در كتابهاي رجالي، تاريخي و سيره مطالعه نمود.

**سیره و حرکت امام رضا (علیه السلام) برای نماز عید فطر :**

خلفا سال ها بود كه نماز عید فطر و عید قربان مى‌خواندند. پیغمبر نماز عید فطر و عید قربان مى‌خواند، اینها هم نماز عید فطر و عید قربان مى‌خواندند. اما روش نماز خواندن به تدریج فرق كرده بود، سیره فرق كرده بود. كم كم دربارهاى خلفا مانند دربارهاى ساسانى ایران و قیاصره روم شده بود، دربارهاى خیلى مجلل، لباس خلیفه و سران سپاه داراى انواع نشانه‌هاى طلا و نقره بود. خلیفه وقتى مى‌خواست ‌به نماز عید بیاید، با جلال و شكوه خاص و با هیمنه سلطنتى مى‌آمد. خودش بر اسبى كه گردنبند طلا یا نقره داشت؛ سوار مى‌شد و شمشیرى زرین به دست مى‌گرفت، سپاه نیز از پشت ‌سرش مى‌آمد، درست مثل این كه مى‌خواهند رژه نظامى بروند. بعد مى‌رفتند به مصلى، دو ركعت نماز مى‌خواندند و برمى‌گشتند. مامون به حضرت رضا اصرار داشت كه مى‌خواهم نماز عید فطر را شما بخوانید. امام فرمود: من از اول با تو شرط كردم كه فقط اسمى از من باشد و من كارى نكنم. (مامون گفت:) نه آقا! من خواهش مى‌كنم. شما از نماز هم ابا مى‌كنید؟! این كه یك كار مربوط به مردم نیست كه بگویید پاى ظلمى در كار مى‌آید. لااقل همین یك نماز را شما بخوانید. در اینجا حضرت جمله‌اى مى‌گوید نظیر جمله امام حسین و نظیر جمله حضرت على علیه السلام در جریان بیعت ‌بعد از عمر. فرمود: من به یك شرط حاضرم، من نماز مى‌خوانم اما با سیره جدم و پدرم، نه با سیره شما. مامون با آن همه زرنگى كه داشت (از نظر خودش) احمق شد. گفت: بسیار خوب، به هر سیره و روشى كه مى‌خواهید بخوانید. فكر مى‌كرد غرض این است كه كارى را به عهده حضرت رضا علیه السلام گذاشته باشد تا مردم بگویند پس امام رضا عملا هم قبول كرد. در روز عید فطر، امام رضا علیه السلام به اطرافیان خود فرمود: لباسهاى عادى بپوشید، پاها را برهنه كنید، دامن عباها و آستین هایتان را بالا بزنید و ذكرهایى را كه من مى‌گویم شما هم بگویید. حالتتان حالت ‌خشوع و خضوع باشد. ما داریم به پیشگاه خدا مى‌رویم، توجهتان به خدا باشد. ذكرها را كه مى‌گویید، خدا را در نظر بگیرید. امام عمامه‌اش را به شكلى كه پیغمبر مى‌بست‌ بسته است، لباسش را به شكلى كه پیغمبر مى‌پوشید پوشیده است، عصا به شكل پیغمبر به دست گرفته، پاهایش را برهنه كرده، با یك حالت‌ خضوع و خشوعى! از همان داخل منزل كه بیرون مى‌آمد، با صداى بلند شروع كرد به گفتن ‌«الله اكبر، الله اكبر، الله اكبر على ما هدانا و له الشكر على ما اولانا.» سالهاست كه مردم این ذكرها را درست نشنیده‌اند. كسانى كه همراه حضرت بودند، وقتى آن حال الهى حضرت را دیدند كه منقلب شده، خودش را در حضور پروردگارش مى‌برد و اشكهاى مباركش جارى است، با حالت‌ خضوع و خشوع، با معنویت تمام و در حالى كه اشك هایشان جارى بود فریاد كردند: «الله اكبر، الله اكبر على ما هدانا و له الشكر على ما اولانا.» حضرت مى‌گوید و اینها تكرار مى‌كنند، تا آمدند نزدیك در منزل. صدا بلندتر مى‌شد. مامون، فرماندهان سپاه و سران قبایل را فرستاده كه بروید پشت‌سر على بن موسى الرضا نماز عید فطر بخوانید. اینها به سیره سالهاى پیش خلفا، خودشان را آرایش و مجهز كرده و لباسهاى فاخر پوشیده‌اند، اسبهاى بسیار عالى سوار شده و شمشیرهاى زرین به كمر بسته و دم در ایستاده‌اند كه حضرت رضا با همان جلال و هیبت دنیایى و سلطنتى بیرون بیاید. یكمرتبه حضرت با آن حال بیرون آمد. در میان آنها ولوله پیچید و بى اختیار خودشان را از روى اسبها پایین انداختند و اسبها را رها كردند. تاریخ مى‌نویسد: چون مى‌بایست پاها برهنه باشد و آنها چكمه به پا داشتند و چكمه نظامى را به زودى نمى‌توان بیرون آورد، هر كس دنبال چاقو مى‌گشت كه زود چكمه را پاره و پاهایش را لخت كند. اینها نیز دنبال حضرت به راه افتادند. كم كم صداى هیمنه ‌«الله اكبر» شهر مرو را پر كرد. مردم ریختند روى پشت‌بامها و به تدریج ملحق شدند. در مردم نیز روح معنویت موج مى‌زد. حضرت مى‌فرمود: «الله اكبر»، این شهر یكپارچه فریاد مى‌زد: «الله اكبر». هنوز از دروازه شهر بیرون نرفته بودند كه جاسوسها به مامون خبر دادند كه اگر این قضیه ادامه پیدا كند، تو مالك سلطنت نیستى. سربازها ریختند كه نه آقا! زحمتتان نمى‌دهیم، خیلى اسباب زحمت‌ شد، خواهش مى‌كنیم برگردید.   
این، معنى روش است. مامون هم در این مورد به كتاب الله و سنت رسول الله عمل مى‌كرد(نماز عید فطر جزء كتاب الله است) اما همان نماز، روشى پیدا كرده بود كه بى محتوا و بى حقیقت ‌شده بود. حضرت رضا علیه السلام فرمود: من حاضرم نماز را بخوانم اما با روش جدم و پدرم، نه با روش جد و پدر تو. (13)  
اميرالمؤمنين،امام علي (عليه السلام) در يكي از اعياد فطر خطبه اي خوانده‌ اند و در آن مؤمنان را بشارت و مبطلان را بيم داده ‌اند كه فرمود: «اَطيعُوا اللّه‌َ فيما نَهاكُمْ عَنْهُ مِنْ قَذْفِ الْمُحْصَنَةِ وَ اِتْيانِ الْفاحِشَةِ وَ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ بَخْسِ الْمِكْيالِ وَ شَهادَةِ الزُّوْرِ وَ الْفِرارِ مِنَ الزَّحْفِ؛(14) فرمان خداوند را در خوددارى از كارهايى كه شما را از آن برحذر داشته است، عمل كنيد [كه از آن جمله است:] نسبت ناروا به زنان عفيف، شهوترانى حرام، شراب خوارى، كم‌فروشى، شهادت ناحق و فرار از جهاد.» اي مردم! اين روز شما روزي است كه نيكوكاران در آن پاداش مي ‌گيرند و زيانكاران و تبهكاران در آن مأيوس و نااميد مي ‌گردند و اين شباهتي زياد به روز قيامتتان دارد، پس با خارج شدن از منازل و رهسپار جايگاه نماز عيد شدن، به ياد آوريد خروجتان از قبرها و رفتنتان را به سوي پروردگار، و با ايستادن در جايگاه نماز به ياد آوريد ايستادن در برابر پروردگارتان را و با بازگشت ‌به سوي منازل خود، متذكر شويد بازگشتتان را به سوي منازلتان در بهشت‌ برين، اي بندگان خدا، كمترين چيزي كه به زنان و مردان روزه ‌دار داده مي‌شود اين است كه فرشته ‌اي در آخرين روز ماه رمضان به آنان ندا ميدهند و ميگويند:   
«هان! بشارتتان باد، اي بندگان خدا كه گناهان گذشته‌ تان آمرزيده شد، پس به فكر آينده خويش باشيد كه چگونه بقيه ايام را بگذرانيد.» 

پى‌نوشت‌ها

1. من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 516.   
2. نهج البلاغه صبحي صالح، خطبه 193.   
3. فرازي از دعاي عرفه.   
4. صحيفه امام، ج 18، ص 395.   
5. وسائل الشيعه، ج 7، ص 681.   
6. تهذيب الاحكام، ج 3، ص 289.   
7. المراقبات، ص 343.   
8. اقبال الاعمال، ج 1، ص 476.   
9. سوره آل عمران، آيه 28.  
10. الكافي، ج 4، ص 82.   
11. سوره نور، آيه 22.   
12. اقبال الاعمال، ص 260.   
13-مجموعه آثار شهید مطهری، ج 17، ص 174 .  
14- حر عاملى، وسائل الشيعه (آل البيت)، ج15، ص344